

تمرین ۱

هر دانشجو باید در محدوده مشخص شده موارد تعلیق و شبه تعلیق را شناسایی نماید و سپس توضیح دهد که بر چه اساس حکم به وقوع تعلیق و یا شبه تعلیق در اسناد داده‌است و در پایان نیز اسناد را به صورت کامل بازسازی کند.

در اولین گام، مباحث مربوط به تعلیق و شبه تعلیق مطرح شد و شما شناخت لازم را در این باره به دست آورده‌اید، در این راستا برای تثبیت مطالب ارائه شده، نخستین تمرین سند شناسی را که مربوط به بحث تعلیق و شبه تعلیق است، ارائه می‌کنیم.

تهیه نرم افزار درایه نور برای انجام تمارین الزامی توصیه می‌گردد.

شیوه انجام تمارین:

- هر دانشجو باید در محدوده مشخص شده موارد تعلیق و شبه تعلیق را شناسایی نماید و سپس توضیح دهد که بر چه اساس حکم به وقوع تعلیق و یا شبه تعلیق در اسناد داده‌است و در پایان نیز اسناد را به صورت کامل بازسازی کند.

نمونه تمرین

۱. محمد بن یحیی ، عن أحمد بن محمد ، عن ابن محبوب ، عن أبي ولاد الحنات وعبد الله بن سنان ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال
 ۲. ابن محبوب عن هشام بن سالم قال : سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول :
- ابن محبوب در شمار اساتید مستقیم کلینی نیست. با مراجعه به اسناد قبل پی می‌بریم که کلینی با دو واسطه از ابن محبوب نقل کرده است و در واقع محمد بن یحیی و احمد بن محمد از ابتدای سند به علت اختصار افتاده است.
۱. علی بن إبراهیم ، عن أبيه، عن القاسم بن محمد ، عن المنقری، عن سفیان ابن عیینة، عن أبي عبد الله (عليه السلام) فی قول الله عز وجل :
 ۲. وبهذا الاسناد قال
 ۳. بهذا الاسناد، عن سفیان بن عیینة، عن السندی ، عن أبي جعفر (عليه السلام)
- ملاحظه می‌شود که رفع این اسناد بوسیله سند قبل صورت نمی‌گیرد بلکه به یک سند قبل تر که مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که در آنجا سفیان بن عیینة تکرار شده است و هر اسم قبل از آن قرینه‌ای است برای این شبه تعلیق .
- همانطور که در این دو مثال مشاهده می‌کنید این تعلیق و شبه تعلیق بوسیله اسامی مشترکی که در سند وجود داشت قابل رفع بود و اگر اسم مشترک نبود آن وقت باید از طریق طبقات به رفع آن می پرداختیم.

تمرین ۲

هر دانشجو باید در محدوده مشخص شده موارد «مضمّر» و «حیلولة» را شناسایی نماید؛ سپس اسناد را به صورت کامل بازسازی کند و در پایان نیز توضیحات لازم را در این باره ارائه دهد.

حیلولة :

حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رضى الله عنه عن محمد بن الحسن صفار و سعد بن عبد الله و عبد الله جعفر

الحمیری عن احمد بن محمد و ابراهیم بن هاشم جميعاً عن عبد الرحمن بن ابی نجران عن عاصم بن حمید عن ابی حمزه الثمالی عن عبد الرحمن جندب الفزاری عن کمیل بن زیاد النخعی
با مراجعه به طبقات پی می‌بریم که محمد بن الحسن صفار و سعد بن عبدالله و عبد الله جعفر الحمیری هر سه از اساتید محمد بن الحسن بن احمد بن الولید هستند و هیچ طبقه‌ای بر طبقه دیگر عطف نشده است بلکه عطف سه هم طبقه بر یکدیگر است. از طرفی بین احمد بن محمد و ابراهیم بن هاشم هم هیچ رابطه استاد و شاگردی نیست و این دو هم هم طبقه هستند. به شکل باز شده این سند دقت کنید:

۱. حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رضى الله عنه عن **محمد بن الحسن صفار** عن **احمد بن محمد** عن عبد الرحمن بن ابی نجران عن عاصم بن حمید عن ابی حمزه الثمالی عن عبد الرحمن جندب الفزاری عن کمیل بن زیاد النخعی
 ۲. حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رضى الله عنه عن محمد بن الحسن صفار عن **ابراهيم بن هاشم** عن عبد الرحمن بن ابی نجران عن عاصم بن حمدي عن ابی حمزه الثمالی عن عبد الرحمن جندب الفزاری عن کمیل بن زیاد النخعی
 ۳. حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رضى الله عنه عن **سعد بن عبدالله** عن **احمد بن محمد** عن عبد الرحمن بن ابی نجران عن عاصم بن حمدي عن ابی حمزه الثمالی عن عبد الرحمن جندب الفزاری عن کمیل بن زیاد النخعی
 ۴. حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رضى الله عنه عن سعد بن عبدالله عن **ابراهيم بن هاشم** عن عبد الرحمن بن ابی نجران عن عاصم بن حمید عن ابی حمزه الثمالی عن عبد الرحمن جندب الفزاری عن کمیل بن زیاد النخعی
 ۵. حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رضى الله عنه عن **عبد الله جعفر الحمیری** عن **احمد بن محمد** عن عبد الرحمن بن ابی نجران عن عاصم بن حمدي عن ابی حمزه الثمالی عن عبد الرحمن جندب الفزاری عن کمیل بن زیاد النخعی
 ۶. حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رضى الله عنه عن عبد الله جعفر الحمیری عن **ابراهيم بن هاشم** عن عبد الرحمن بن ابی نجران عن عاصم بن حمید عن ابی حمزه الثمالی عن عبد الرحمن جندب الفزاری عن کمیل بن زیاد النخعی
- مضمّر :**

__ مرجع ضمیر نفر اول سند قبل است:

۱. علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن محبوب عن هشام بن سالم عن ابی بصیر عن ابی جعفر علیه السلام
 ۲. عنه عن ابن محبوب عن بعض اصحاب عن ابی عبدالله علیه السلام
 ۳. و عنه عن ابيه عن حماد عن ربیع عن فضیل قال
- در سند دوم مرجع ضمیر عنه، "ابیه" می باشد که خود ابراهیم بن هاشم است، منتها اینجا تعلیق هم وجود دارد چرا که ابراهیم بن هاشم استاد مستقیم کلینی نیست و در سند سوم هم مرجع ضمیر علی بن ابراهیم است. در واقع مرجع ضمیر دو سند اخیر در سند اول جمع شده است.

__ مرجع ضمیر به وسط سند قبل بر می گردد:

۱. عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عيسى عن ابن محبوب عن عبد العزيز العبدی عن عبد الله بن ابی یغفور قال...
۲. وعنه عن هشام بن سالم عن حبيب السجستانی عن ابی جعفر علیه السلام

با توجه به اینکه ابن محبوب شاگرد هشام به سالم است مرجع ضمیر نمی تواند احمد بن محمد بن عیسی باشد و از طرفی در این سند تعلیق هم دیده می شود.

در پایان یادآوری می کنم که شناخت اسناد مشابه و طبقات کمک فراوانی به شناسایی این موارد- که در بدو امر آسیبی برای سند به شمار می آید- می کنند.

تمرین ۳

در این تمرین هر یک از دانشجویان باید یک جلد از کتاب معجم رجال الحديث آقای خویی را به دلخواه انتخاب کند و با مراجعه به بخش «**اختلاف کتب**» دونمونه متفاوت از از انواع تحریف و تصحیف را- در صورت موجود بودن- جستجو نماید و در مرحله بعد دلایلی را که مرحوم خویی برای وقوع تصحیف و تحریف در این اسناد بیان نموده است، مشخص نماید و توضیح

دهد

نمونه

تصحیف بین کلمات مشابه: بین عن و واو

جعفر بن بشیر

روی الشيخ بسنده عن محمد بن الحسين، عن جعفر بن بشير، **و** المفضل ابن عمر، عن أبي عبد الله (عليه السلام) . التهذيب: الجزء ٥، باب الكفارة عن خطأ المحرم، الحديث ١١٧٣. كذا في الطبعة القديمة والوسائل أيضا ولكن في الاستبصار: الجزء ٢، باب من مس لحيته فسقط منه شعر، الحديث ٦٧١. محمد بن الحسين، **عن** جعفر بن بشير، عن المفضل بن عمر، عن أبي عبد الله (عليه السلام) ، الموافق للوافي فلا يبعد صحة ما في الاستبصار لعدم ثبوت رواية جعفر بن بشير ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) في شيء من الروايات.

توضیح: از نظر آیت الله خویی روایت موجود در استبصار صحیح است زیرا در هیچ یک از روایت جعفر بن بشیر از ابی عبد الله (ع) روایت نقل نکرده است.

جایجایی میان حروف یک کلمه و زیاد شدن نام شخصی به سند

روی الشيخ بإسناده، عن حميد بن زياد، عن الحسن بن سماعه، عن **أحمد ابن عديس**. التهذيب: الجزء ٩، باب الوقوف والصدقات، الحديث ٥٥٩ والاستبصار: الجزء ٤، باب أنه لا يجوز بيع الوقف، الحديث ٣٧٩، إلا أن فيه **أحمد ابن عبدوس** ، والصحيح ما في التهذيب ، لموافقه ، للكافي : الجزء ٧ ، كتاب الوصايا ١ ، باب ما يجوز من الوقف والصدقة ٢٣ ، ذيل الحديث ٤٠ ، والوافي والوسائل.

توضیح: از نظر آیت الله خویی روایت موجود در کتاب تهذیب صحیح است زیرا با روایات کتاب‌های دیگر همچون کافی، وافی و وسائل موافق است.

و روی أيضا بسنده ، عن الحسن بن سماعه ، عن محمد بن زياد ، ومحمد بن الحسن العطار . التهذيب : الجزء ٩ ، باب الزيادات من الميراث ١٤٠٩ ، والاستبصار : الجزء ٤ ، باب ميراث السايبة ، الحديث ٧٤٦ ، إلا أن فيه : **الحسن بن محمد بن سماعه** ، عن محمد بن زياد ، عن محمد بن الحسن العطار ، والظاهر صحة ما في التهذيب بقرينة سائر الروايات ، وهو الموافق للوافي والوسائل

ثم إن الشيخ روى هذه الرواية بعينها عن الحسن بن محمد بن سماعه ، عن ابن رثاب ، عن محمد بن الحسن العطار. الاستبصار: الحديث ٧٤٧، من الباب المزبور وهذا غير موجود فى التهذيب.

توضیح: از نظر آیت الله خویی روایت موجود در تهذیب به صحت نزدیکتر است به دلیل موافقت آن با روایات موجود در کتاب کافی و وسائل. و اینکه شیخ صدوق عین این روایت را با سند زیر در کتاب استبصار نقل می‌کند در صورتی که در کتاب تهذیب وجود ندارد:

حسن بن محمد بن سماعه عن ابن رثاب عن محمد بن الحسن العطار

تمرین ۴

شما دانشجویان گرامی در همان محدوده از قبل اعلام شده از میان اسناد دلخواه **دو** عنوانی که مشترک میان افراد متعدد است را فهرست کنید (برای سهولت کار می‌توانید از نرم افزار «**دراية النور**» استفاده کنید) و با استفاده از **کتاب معجم الرجال آقای خویی** به شناسایی یک مورد بپردازید. لازمی آید قرائنی را که به تشخیص راوی کمک می‌کند با آدرس نیز ذکر کنید.

نمونه:

١. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ ابْنُ سِنَانٍ قَالَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَابِرٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا تَأْكُلُ مِنْ ذَبَائِحِ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ لَا تَأْكُلُ فِي آيَتِهِمْ
٢. عَنْهُ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعَشِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ ذَبَائِحِ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى فَقَالَ الدَّبِيحَةُ اسْمٌ وَ لَا يُؤْمَنُ عَلَى الْاسْمِ إِلَّا مُسْلِمٌ

شاهد مثال در سند دوم است که ابن سنان در آن دیده می‌شود. حدس می‌زنیم که شاید این ابن سنان همان، محمد بن سنان سند قبل باشد. برای اینکه مطمئن شویم عنوان «ابن سنان» را در کتاب معجم الرجال آقای خویی جستجو می‌کنیم. از مطالعه شرح حال «ابن سنان» پی می‌بریم این اسم بین دو نفر مشترک است: محمد و عبدالله. عبارت آقای خویی در معجم الرجال این است:

أقول : ابن سنان قد يطلق على عبد الله بن سنان ، وقد يطلق على محمد بن سنان ، والتمييز بينهما إنما يكون بملاحظة الطبقة ، فما كان فى هذه الروايات عن الباقر أو عن الصادق ، أو من كان فى طبقتهم ، فالمراد به عبد الله بن سنان، كما أن ما كان فيها عن أبى الحسن الرضا، ومن بعده فهو محمد بن سنان، وما كان عن أبى الحسن موسى عليه السلام، ومن فى طبقته فهو مشترك فيه، وقد يتعين ذلك بالراوى، فإن كان الراوى لم يدرك أبأ الحسن عليه السلام وكان متأخرا عنه، فالمراد بابن سنان فى ذلك المورد هو محمد بن سنان . (معجم رجال الحديث - السيد الخوئى - ج ٢٣ - ص ٢٠٢)

با توجه به عبارت آقای خویی مشخص می‌شود که «ابن سنان» بین عبدالله بن سنان و محمد بن سنان مشترک است و تمییز میان این دو از طریق طبقات است. چنانچه ابن سنان از امام باقر و امام صادق (ع) و یا از کسان دیگری که در طبقه این دو امامند، روایت کند، او عبدالله بن سنان است. اما اگر ابن سنان از امام رضا (ع) و یا از امامان بعد از او روایت نقل کند، او محمد بن سنان است. اما محمد بن سنان و عبدالله بن سنان در روایت از امام کاظم (ع) با یکدیگر مشترکند و هر دوی آن‌ها می‌توانند از ایشان نقل روایت کنند. در این مورد راه تشخیص این دو از طریق شاگرد ابن سنان است. اگر شاگرد ابن سنان امام کاظم (ع)

را درک نکرده باشد و از او متاخر باشد، در این صورت مراد از ابن سنان، محمد بن سنان است.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه در این سند، ابن سنان با یک واسطه از امام صادق (علیه السلام) روایت نقل کرده است پی می بریم که او محمد بن سنان است.

قرائن

۱. ابن قتیبه الاعشی و اسماعیل بن جابر در شمار استادان محمد بن سنان، دیده می شود نه عبدالله بن سنان (با مراجعه به طبقه فی الحدیث)

۲. در شرح حال محمد بن سنان الزاهری آمده است که وی صاحب کتاب الذبائح بوده است و اتفاقاً متن روایت در مورد ذبح است که قرینه قطعی می شود که وی همان محمد بن سنان الزاهری است.

۱۰۹۳۸ - محمد بن سنان أبو جعفر الزاهری :

قال النجاشی : " محمد بن سنان أبو جعفر الزاهری : من ولد زاهر ...

وقد صنف كتباً منها : كتاب الطرائف أخبرناه الحسين ، عن أبي غالب ، عن جده أبي طاهر محمد بن سليمان ، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ، عنه ، به . وكتاب الأظلة ، وكتاب المكاسب ، وكتاب الحج وكتاب الصيد والذبائح (معجم رجال الحديث - السيد الخوئی - ج ۱۷ - ص ۱۶۰ - ۱۶۱)

تمرین ۵

در کتاب معجم رجال الحديث مرحوم خویی گاه می بینیم که ایشان با توجه به قراین، چنین حکم نموده اند که برخی اسامی مختلف، در حقیقت اسامی یک نفر معین است. لذا ایشان در شرح حال برخی از راویان صراحتاً به اتحاد آنها با برخی راویان دیگر اشاره کرده اند و یا اینکه اتحاد میان آنها را با علامت (=) مشخص نموده اند. (البته گاه علامت = به معنای ارجاع صرف است). بر این اساس شما گرامیان ضمن مراجعه به کتاب معجم رجال الحديث مرحوم خویی از ۵ قرینه ای که برای توحید اختلافات در جزوه ذکر شده است ۲ نمونه را به دلخواه ؛ مانند مثال های زیر جستجو نمایید.

قرینه طبقه

معجم رجال الحديث - السيد الخوئی - ج ۵ - ص ۳۶۴

۲۹۰۰ - الحسن بن عبد الرحمان : = الحسن بن عبد الرحمان الحماني . روى عن أبي الحسن (عليه السلام)، وروى عنه على بن العباس . الروضة: الحديث ۵۷. وروى عن عاصم بن حميد ، وروى عنه على بن العباس ، الروضة: الحديث ۴۳۱ و ۴۳۲. وروى عن على بن أبي حمزة، وروى عنه سلمة بن الخطاب . الكافي: الجزء ۱ ، كتاب الحجۃ ۴، باب فيه نكت و نكت من التنزيل فى الولاية ۱۰۸، الحديث ۹۰ و ۹۲، وفى بعض النسخ : الحسين بن عبد الرحمان كما يأتى. وروى عنه على بن العباس. الروضة : الحديث ۲۱۴. أقول: الظاهر أن الحسن هذا هو الحسن بن عبد الرحمان الحماني الآتى بقرينة اتحاد الراوى والمروى عنه توضيح: از نظر آیت الله خویی «الحسن بن عبدالرحمن» همان «الحسن بن عبدالرحمن بن الحماني» است زیرا که اساتید و شاگردان این دو یکی است

شاگرد اختصاصی داشتن

معجم رجال الحديث - السيد الخوئی - ج ۱ ص - ۱۷۵

۴۸ - إبراهيم أبو إسحاق: = إبراهيم بن هاشم القمي. روى عن أبي أحمد إسحاق بن إسماعيل و روى عنه محمد بن علي بن محبوب، التهذيب: الجزء ۱، باب دخول الحمام و آدابه، الحديث ۱۱۶۱. أقول: لا يبعد أن يكون هو إبراهيم بن هاشم القمي، بقرينه رواية محمد بن علي بن محبوب عنه في موارد عديدة
توضیح: از نظر آیت الله خویی در روایات متعددی محمد بن علی بن محبوب از «ابراهیم بن هاشم القمی» نقل کرده و شاگرد «ابراهیم ابواسحاق» هم محمد بن علی بن محبوب ذکر شده است، لذا بعید این نیست که این دو یکی باشند.